

دربارهٔ ابراز نگرانی‌های قطر و روسیه

تهاجم غیرنظامی به تأسیسات اسرائیل

ادامه از صفحه یک

نکات

تهدید برنامه هسته‌ای رژیم صهیونیستی توسط روسیه، حاوی نکاتی است که در ادامه آمده‌اند.

۱. حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران به‌ویژه راکتورها دست کمی از به‌کارگیری خود سلاح هسته‌ای ندارند و می‌شود این کار را در حد استفاده از تسلیحات نامتعارف تلقی کرد.

چنین حمله‌ای لزوم مسلح شدن کشورهای منطقه به تسلیحات نامتعارف را در پی خواهد داشت. هرچند ساخت سلاح هسته‌ای زمان‌بر است، اما دولت‌های منطقه با سرعت بالایی به بمب‌های کثیف و سلاح‌های شیمیایی مسلح خواهند شد.

۲. مواضع تقریباً مشابه روسیه و قطر در باره پرونده هسته‌ای رژیم صهیونیستی که هریک در سمت‌وسویی متفاوت در بلوک‌بندی‌های جهانی قرار دارند، نشان‌دهنده افزایش خطر آفرینی تل آویوو و ادراک آن از سوی بازیگران است.

۳. حمله رژیم صهیونیستی نته‌های می‌تواند منطقه را به آتش بکشانند، بلکه تأثیراتی فراتر از منطقه هم دارد. این مسئله باعث شده تا علاوه بر قطر به‌عنوان بازیگری واقع در غرب آسیا، روسیه به‌عنوان بازیگری که در پیرامون این منطقه واقع شده نیز در این خصوص موضعی اتخاذ کند.

۴. حمله به تأسیسات هسته‌ای یک کشور به‌ویژه راکتورها باعث خواهد شد کشورهای جهان از این پس به آن‌ها به چشم پاشنه‌آشیل نگاه کنند. این مسئله زیان‌هایی در درون خود دارد. نخست آنکه کشورها مجبور می‌شسوند به دلیل خطرات، از خبر توسعه راکتورها‌های هسته‌ای بگذرند. عبور دولت‌ها از نیروگاه‌های هسته‌ای باعث زیان سازندگان این نیروگاه‌ها می‌شود. درحال حاضر روسیه بزرگ‌ترین سازنده راکتور برای کشورهای جهان است. هرچند کشورهایی مانند آلمان، ژاپن و آمریکا نیز در ساخت نیروگاه هسته‌ای تبحر دارند اما بیشتر به پروژه‌های داخلی مشغول بوده و از جذب سفارش خارجی بازمانده‌اند.

هشدار زیرکانه روس‌ها در این خصوص به تل آویواز دو جهت دارای اهمیت است؛ نخست آنکه روس‌ها سازنده راکتور بوشهر بوده‌اند و مهم‌تر آنکه باب شدن چنین رویه‌ای به زیان سنگین روس‌ها منجر خواهد شد.

آلکسی لیخاچف، مدیرعامل شرکت دولتی «روس اتم» روسیه اخیراً در سخنرانی برای کارمندان صنعت هسته‌ای این کشور از درآمد ۳۷ میلیارد دلاری شرکت تحت مدیریتش خبر داده است.

۵. با تشدید رقابت جهانی در قالب «بازی بزرگ» پدیده تحقیر دولت‌های مؤثر در حال رونمایی است. ابتدا پوتین با حمله به اوکراین موفق شد اروپا را تحقیر کند و سپس غربی‌ها نیز تصمیم گرفتند تا با فرسایشی کردن جنگ، متقابلاً روسیه را در وضعیت اسفناکی قرار دهند. با روی کارآمدن ترامپ این روند سرعت بیشتری به خود گرفته است. ترامپ آشکارا خواهان الحاق کانادا به خاک خود است و از آن دست نمی‌کشد. در مقابل، یکی از اقدامات کانادایی‌ها هو کردن سرود ملی آمریکاست.

جاستین تروود، نخست‌وزیر کانادا اخیراً درباره نحوه اعتراض به جنگ تجاری آمریکا گفته است: «تصمیم گرفته‌ام که دیگر برای تعطیلات به فلوریدا یا ساحل «اولد اورچرد» یا هر جای دیگری (در آمریکا) نرویم. محصولات کانادایی بخریم. از مشروبات الکلی آمریکایی صرف‌نظر کنیم و بله، احتمالاً همچنان به «هو» کردن سرود ملی آمریکا ادامه خواهیم داد! البته به مردم آمریکا می‌گویم که ما شما، تیم‌های‌تان، بازیکنان‌تان را «هو» نمی‌کنیم بلکه این کار را علیه سیاستی انجام می‌دهیم که با هدف ضربه زدن به ما طراحی شده است.»

هو کردن سرود ملی آمریکا دست کمی از به آتش کشیدن پرچم این کشور

ندارد و اقدامی برای تحقیر واشنگتن است. در اینجا باید توجه داشت که درخواست ترامپ برای الحاق کانادا به خاک آمریکا، تحقیر انگلیس نیز به شمار می‌رود زیرا پادشاه این کشور هم‌زمان حاکم کانادا نیز به حساب می‌آید. در دایره‌ای وسیع‌تر از انگلیس و اقمارش، درخواست ترامپ برای الحاق گرینلند به خاک کشسور به معنای تحقیر تمام اروپاست؛ همان‌گونه که وی رهبران اروپایی را از کی‌بر استارمر، نخست‌وزیر انگلیس تا ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین در کاخ سفید تحقیر کرد.

این تحقیر طیف متفاوتی از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را در بر می‌گیرد. تلاش برای خروج آمریکا از سازمان ملل تلاشی برای تحقیر این سازمان است. به نظر می‌رسد در شرایطی که بسیاری از طرف‌ها در پی تحقیر دیگر بازیگران هستند، رژیم صهیونیستی نیز از گزند‌ها در امان نباشد.

قطر

ورود قطر به خط مقابله با رژیم صهیونیستی چه به ابتکار دوحه شکل گرفته باشد و چه تصمیمی مجموعه‌ای و محول شده به این کشور باشد، حکایت از جبهه‌بندی منطقه‌ای- بین‌المللی در برابر تل آویو دارد. در این بخش به نکاتی درباره تحرکات قطر پرداخته شده است.

۱. نمی‌توان از شکاف اروپا و آمریکاس پس از روی کارآمدن ترامپ و اتفاقات پس از آن چشم‌پوشید. این شکاف اثراتی نیز روی متحدان دارد و خط و ربط‌ها را آشکار می‌سازد. به‌عنوان نمونه، استرالیا با وجود آنکه می‌توانست نقشی بزرگ در سیاست تمرکز آمریکا بر شرق آسیا ایفا کند، تصمیم گرفت پیروی عمیق خود از انگلیس را نشان دهد. بر همین اساس می‌توان شاهد صف‌آرایی هردو دسته بود. این دسته‌بندی اگر از آمریکای شمالی تا اقیانوسیه

کشیده شده است، می‌تواند در دیگر نقاط نیز شواهدی داشته باشد. کشورهای عربی منطقه تا حد زیادی متأثر از انگلیس هستند. در شرایطی که در جریان رقابت جهانی و یازگیری‌ها، رژیم صهیونیستی حرکتی محاس بر منافع آمریکا دارد، این مسئله می‌تواند به واکنش اروپا منجر شود. به آشوب کشیدن منطقه با توجه به خطراتی که برای اروپا در همسایگی منطقه دارد، کمتر مطلوب آن‌هاست اما برای آمریکا که اثرپذیری مستقیمی ندارد، شامل مطلوبیت‌هایی است.

وقوع جنگ در غرب آسیا همانند جنگ جهانی اول و دوم برای آمریکا هزینه‌های بالایی دارد، اما آسیب جنگی به خاک این کشور وارد نخواهد کرد. این مسئله اما برای اروپایی که در حال حاضر درگیر جنگ در اوکراین بوده، متفاوت است.

تغییر قابل توجهی که در رابطه آمریکا و رژیم صهیونیستی ایجاد شده و در حال حساسیت‌زایی است، نگاه مصری و واشنگتن به تل آویو است. اگر در

گذشته آمریکا سعی داشت با وجود حضور نظامی و جنگیدن مستقیم مانع از آسیب به رژیم صهیونیستی شود، طی دو سال گذشته واشنگتن خود در گوشه‌ای ایستاده و همواره تل آویو را به جنگ‌افروزی سوق داده است. به معنای دیگر در دوره کنونی آمریکا در حال مصرف رژیم صهیونیستی در راستای حفظ منافع خود است.

در دو سال گذشته به دلیل همکاری نتگاتنگ اروپا با آمریکا این مسئله چالش‌زا نبوده است، اما در دوره ترامپ که جدایی آشکار شده، پیروی رژیم صهیونیستی از آمریکا تبعات خود را دارد.

۲. قطر میانجیگری میان رژیم صهیونیستی را با گروه‌های مقاومت منطقه از فلسطین تا لبنان برعهده داشته است. اگر روابط دوحه با تل آویو متشنج شود

کشیده شده است، می‌تواند در دیگر نقاط نیز شواهدی داشته باشد.

کشورهای عربی منطقه تا حد زیادی متأثر از انگلیس هستند. در شرایطی که در جریان رقابت جهانی و یازگیری‌ها، رژیم صهیونیستی حرکتی محاس بر منافع آمریکا دارد، این مسئله می‌تواند به واکنش اروپا منجر شود. به آشوب کشیدن منطقه با توجه به خطراتی که برای اروپا در همسایگی منطقه دارد، کمتر مطلوب آن‌هاست اما برای آمریکا که اثرپذیری مستقیمی ندارد، شامل مطلوبیت‌هایی است.

وقوع جنگ در غرب آسیا همانند جنگ جهانی اول و دوم برای آمریکا هزینه‌های بالایی دارد، اما آسیب جنگی به خاک این کشور وارد نخواهد کرد. این مسئله اما برای اروپایی که در حال حاضر درگیر جنگ در اوکراین بوده، متفاوت است.

تغییر قابل توجهی که در رابطه آمریکا و رژیم صهیونیستی ایجاد شده و در حال حساسیت‌زایی است، نگاه مصری و واشنگتن به تل آویو است. اگر در

گذشته آمریکا سعی داشت با وجود حضور نظامی و جنگیدن مستقیم مانع از آسیب به رژیم صهیونیستی شود، طی دو سال گذشته واشنگتن خود در گوشه‌ای ایستاده و همواره تل آویو را به جنگ‌افروزی سوق داده است. به معنای دیگر در دوره کنونی آمریکا در حال مصرف رژیم صهیونیستی در راستای حفظ منافع خود است.

در دو سال گذشته به دلیل همکاری نتگاتنگ اروپا با آمریکا این مسئله چالش‌زا نبوده است، اما در دوره ترامپ که جدایی آشکار شده، پیروی رژیم صهیونیستی از آمریکا تبعات خود را دارد.

۲. قطر میانجیگری میان رژیم صهیونیستی را با گروه‌های مقاومت منطقه از فلسطین تا لبنان برعهده داشته است. اگر روابط دوحه با تل آویو متشنج شود

قتل و ضرب و جرح زنان و کودکان معترض مناطق علوی نشین سوریه با چراغ‌سبز و همکاری ترکیه انجام شد

۸ مارس به روایت اردوغان

چگونه بنیان‌های یک جامعه را نابود کنیم؟

روایت‌های موجود از این کشتار مستمر خبر از سیستماتیک بودن و پیچیدگی این حملات می‌دهند، اکات‌های شخصی خبر می‌دهند؛ این کشتار با غارت گسترده و مصادره اموال علوی‌ها همراه بوده که نشان‌دهنده نیت تروریست‌های سلفی است. در این یورش تنها کشتن هدف نیست، بلکه انگیزه آواره کردن و از بین بردن یک جامعه است. ساکنان جَبَله و بنیاس به رویترز گزارش دادند که مسلمانان، خانه‌ها را به‌طور سیستماتیک آتش‌ده، خودروها را دزدیده و اموال را مصادره کرده‌اند و اجساد در خیابان‌ها و پشت‌بام‌ها پراکنده مانده است. دیده‌بان حقوق بشر سوریه نیز اشاره کرده که این غارت اموال معمولاً پس از «اعدام‌ها» توسط نیروهای وابسته به نیروهای رسمی تحریر الشام که حالا در وزارت دفاع سوریه جا خوش کرده‌اند، انجام شده که نشان‌دهنده یک کمپین هماهنگ به‌جای آشنفتگی‌های خودجوش است. این الگو مشابه حملات انتقام‌جویانه قبلی به روستاهای علوی و مسیحی پس از سقوط اسد است، مانند کشتارهای ۳۱ ژانویه در ارزا، حمص، جبایی که هشت مرد پس از تأیید هویت مذهبی خود اعدام شدند.

علاوه بر کشتار و مصادره اموال، از ابتدای روز شنبه، رسانه‌های محلی می‌دانند؛ این تعداد عملاً با تعداد سوری‌هایی که از تحریر الشام به سمت دیگر کشورهای گریخته‌اند، خنثی می‌شود. در این حملات اخیر نیز این کشتارها موجب فرار دسته‌جمعی هزاران علوی و دیگر اقلیت‌ها به لبنان و مناطق دیگر شده است. نماینده مجلس لبنان، حیدر ناصر گزاراش داد که «موج‌های بسیار بزرگی» از پناهندگان سوری در منطقه عکار وارد شده

فرار به لبنان؛ به کوه‌ها پناه ببرید

از آغاز سقوط اسد در ماه دسامبر، منابع لبنانی اعلام کرده که بیش از ۱۰۰ هزار سسوری که عمدتاً شیعه، علوی و مسیحی هستند از مرزهای زمینی به سمت لبنان فرار کردند. این مطلب باعث شد علی‌رغم ادعاهای رسانه‌های عربی که خبر از بازگشت بزرگ و فراگیر سوری‌های پناهنده به میهن‌شان را می‌دادند؛ این تعداد عملاً با تعداد سوری‌هایی که از تحریر الشام به سمت دیگر کشورهای گریخته‌اند، خنثی می‌شود. در این حملات اخیر نیز این کشتارها موجب فرار دسته‌جمعی هزاران علوی و دیگر اقلیت‌ها به لبنان و مناطق دیگر شده است. نماینده مجلس لبنان، حیدر ناصر گزاراش داد که «موج‌های بسیار بزرگی» از پناهندگان سوری در منطقه عکار وارد شده



این مسئله می‌تواند به معنای تنگ شدن کانال‌های ارتباطی برای مذاکره با حماس و دیگر گروه‌ها باشد؛ پدیده‌ای که منجر به تشدید تنش‌ها و طولانی‌تر شدن آن‌ها خواهد شد.

حرکت قطر شاید در بطن خود این تهدید را داشت که اگر رژیم صهیونیستی به دنبال به آشوب کشاندن منطقه و خلیج فارس باشد، باید بداند در داخل سرزمین‌های اشغالی در برابر گروه‌های مقاومت رها خواهد شد.

۳. رژیم صهیونیستی با توجه به مخالفت‌های قطر با برخی از اقداماتش، تلاش کرد علیه دوحه سمپاشی کرده و به دلیل میزبانی‌اش از حماس، آن را در افکار عمومی آمریکا شماتت کند.

پاسخ قطر، مصاحبه نخست‌وزیرش با تاکر کارلسون، مجری مشهور و نزدیک به ترامپ بود. دوحه در برابر اقدام رسانه‌ای رژیم صهیونیستی، نشستی رسانه‌ای ترتیب داد، در برابر حرکت پنهانی تل آویو، دست به اقدامی صریح و رسمی زد و آن را توسط فردی از نزدیکان ترامپ ترتیب داد تا نفوذ و قدرت خود را به رخ رژیم صهیونیستی بکشد.

۴. چرایی ورود قطر به صحنه مهم است. چرا دیگر بازیگرانی که در چنین اظهاراتی ذینفع بودند به قضیه ورود نکردند؟ امارات، کویت و قطر هر سه زبان‌های سنگینی از اقدام نظامی رژیم صهیونیستی علیه ایران چه تأسیسات اقتصادی و چه تأسیسات هسته‌ای خواهند دید. عربستان نیز گرچه دچار زیان خواهد شد، اما این زیان‌ها همانند سه کشور مزبور، در حد موجودیتی برای سعودی‌ها نیست.

از سسوی دیگر از میان امارات، کویت و قطر، کویتی‌ها اغلب محافظه‌کار و اماراتی‌ها نیز مبتنی بر دیپلماسی امنیتی و پشت‌پرده هستند. در مقابل اما قطری‌ها در حوزه رسانه دستی داشته و به آن اهمیت می‌دهند.

که فقط در ۸ مارس (روز جهانی زن)، ۱۰ هزار نفر از سسوریه وارد خاک لبنان شده‌اند. رسانه‌های محلی نیز تأیید کردند که خانواده‌ها برای فرار از کشتار، اغلب در شب مرز را رد کرده‌اند. در همین حال، صداه نفر در پایگاه هوایی حمیمیم که در اختیار روسیه است، در لاذقیه پناه گرفتند و از روسیه درخواست حمایت کردند.

چگونه بکشیم که کسی خبردار نشود؟

پس از گذشت ۴ روز از این کشتار و پاکسازی قومی سازماندهی شده هنوز رسانه‌های جریان اصلی عربی مستنداتی از این کشتارها منتشر نکرده‌اند. دوربین رسانه‌های عربی و انسان رسانه‌های حامی جولانی همواره به سمت نیروهای تحریر الشام است که قرار است «باقی مانده‌های نظام اسد» را سرکوب و پاکسازی کنند.

مواجهه‌ای کوتاه و سریع به حافظه تاریخی، رفتار این رسانه‌ها و دستگاه‌های حقوق بشری در دوران جنگ داخلی سوریه که در آن پوشش خبری به صورت لحظه‌ای صورت می‌گرفت، ما را به این نتیجه می‌رساند که بازتاب این کشتارها در رسانه‌های عربی و غربی فاقد عمق و فوریت است. رسانه‌های بزرگ ایالات متحده و اروپا این داستان را به به‌روزرسانی‌های مختصر محدود کرده و آن را تحت تأثیر سیاست‌های داخلی و دیگر بحران‌های جهانی قرار داده‌اند. در حالی که گزارش‌های معتبر از کشته شدن دست کم ۸۰۰ غیرنظامی از جمله زن و کودک خبر می‌دهند. رسانه‌های عربی از جمله الجزیره و تی آر تی عربی و العربیه از نیروهای تحریر الشام که به سمت ساحل غربی گسیل شده‌اند، خبر و گزارش تهیه می‌کنند.

سازمان‌های حقوق بشری نیز به‌طور آشکارا دست به واکنش محتاطانه زده‌اند. عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر، که به‌طور دقیق اخبار جنگ داخلی سوریه را با روایتی همیشه به ضرر دولت اسد، لحظه به لحظه مستندسازی می‌کردند، هنوز بیانیه‌ای جامع درباره کشتارهای ماه مارس صادر نکرده‌اند. سازمان ملل خواستار تحقیقاتی شده است، اما بدون محکومیت قوی با اقدام فوری که پاسخ به جنایات جنگی پیشین را مشخص می‌کرد. بایکوت‌های رسانه‌ای و انفعال دستگاه‌های حقوق بشری برای کسانی که نسل‌کشی غزه را دیده‌اند هرگز چیز جدیدی نیست. گرچه ابعاد و حجم این کشتارها با نسل‌کشی ۱۵ ماهه در غزه قابل مقایسه نیست، اما منطق و ماهیت این جنایات یکسان است. اهریمن‌سازی، انسانیت‌زدایی، کشتار جمعی در سکوت و در نهایت پاکسازی جمعیتی.



حانیه قاسمیان خبرنگار گروه جهان‌شهر

تیر اول الجزیره در چند روز گذشته «عملیات پاکسازی» علیه «باقی مانده»های نظام اسد است، اما دیگر خبری از گزارش‌های مفصل میدانی نیست و ده‌ها خبرنگار از سوی رسانه‌های عربی و غربی در ساحل غربی مستقر نیست.

هر آنچه می‌دانیم گزارش‌ها و اخبار پراکنده‌ای است که عمدتاً خود شهر وندان علوی ساکن ساحل غربی سوریه از فاجعه کشتار غیر نظامیان و حمله به روستاهای علوی‌نشین منتشر می‌کنند.

در ۸ مارس، روزی که قرار است نماد کشتگری علیه تبعیض و فرودستی تاریخی زنان باشد؛ تصویری از جسد زنی علوی زیر چکمه‌های نیروهای تحریر الشام توسط همین اکات‌های شخصی و محلی منتشر می‌شود.

کشتارها، اعدام‌ها و مصادره اموال علوی‌ها در سسوریه جولانی اگرچه موضوع جدیدی نیست و از ابتدای سقوط دمشق وجود داشته است، اما در روزهای اخیر بعد از اعتراض علویان و گسیل نیروهای سرکوب شکل دیگری به خود گرفته است.

با این حال خبری از سیل تسلیت‌ها و اعلام انزجار‌ها و محکومیت‌ها نیست. بیش از ۱۰۰۰ علوی در خانه‌ها و روستاها و محله‌هایشان قتل عام می‌شوند و عده‌ای دیگر مجبور به فرار. بدون اینکه رسانه‌های غربی و عربی به خود زحمت دهند که نام و نشانی از غیرنظامیان کشته‌شده منتشر کنند.

در ساحل غربی سوریه یک روایت انسانیت‌زدایانه علیه علویان در جریان است. روایتی که انسان علوی را در حد موجودی که کشته شدن یا زنده بودنش ارزش خبری شستن نداشته باشد، تقلیل می‌دهد و در این پروسه انسانیت‌زدایی، رسانه‌ها و دستگاه‌های حقوق بشری و البته دولت‌های حامی تحریر الشام همدست هستند.

رد خون در ساحل غربی

در ۴ روز گذشته نیروهای تحریر الشام حمله خود را در قالب آنچه «عملیات پاک‌سازی» نامیدند از حومه بانباس به سمت شهر لاذقیه گسترش دادند. علاوه بر نیروهای تحریر الشام گروه‌های سلفی مسلح دیگری نیز در این عملیات تروریستی شرکت داشتند، گزارش‌های محلی حاکی از آن است